

آتش هجران

ای وطن ای مادرم خطه جان پرورم
آتش هجران تو ساخته خاکسترم

مزرعه وکوه ودشت باغ و گلستان تو
لانه گرگان شده خانه عرفان تو
دورخ عریان بود اندر و لغمان تو
مردم زحمت کش و خاک زرافشان تو

آب و هوای خوست دره و دامان تو
بلخ و مزارو هرات غزنه و کابل زمین
بولدگ و خوست و فرینگ شهرخوش قندهار
در شرر آتش فتنه اشغال گر

ای وطن ای مادرم رمز رهایی تو
نیست بجز انقلاب سخت به این باورم

مسکن دیوان شده لوگر و پغمان تو
قاتل افغانیان لکه دامان تو
تا که نگیردز خصم خون شهیدان تو
قتل زن و کودک شهر ارزگان تو

مسلخ و کشتارگاهست جاجی و جدران تو
تکیه به ارگ شهی کرده غلامان غیر
مردم افغان ز دوش اسلحه اش کی نهد
خاطره اش جاودان در دل افغان بود

ای وطن ای مادرم رمز رهایی تو
غیر ستیز و نبرد نیست به دل باورم

شمع شبستان تو سرو خرامان تو
گشته چرا گاه خوک شهر غزالان تو
مظهر آزادی ماه درخشان تو
دانه خوش آب و رنگ اختر تابان تو
دخترک جوانی گوهر غلطان تو
در قفس نظم غیر اینهمه حوران تو

دختر کابل زمین مهرو وفا را نگین
بکسره غربت نشین گشته به هرسرزمین
دختر کوچی تو لاله وحشی تو
رمز متانت بود دختر سقاب تو
در شرر آتش خیل تجاوزگر است
گشته اسیر ستم بسته به زنجیر غم

نیست به جز خیزش توده زحمت کشان
رمز رهایی این خیل اسیران تو

حافظ "هزاره" 15.1.2006